

## مقایسه مصرف فراغت در بین زنان شاغل و خانه‌دار در شهر ساری

کرم حبیب‌پور گنابی\*

حسین نازک تبار\*\*

رضا فرج تبار\*\*\*

### چکیده

مقاله حاضر با مسئله‌سازی تأثیر اشتغال زنان بر چارچوب فراغتی آنها و با استفاده از صورت اصلاح شده‌ی نظریه‌ی «شکاف فراغتی» آرلی هاچیلد، به مقایسه‌ی مصرف فراغت در بین زنان شاغل و خانه‌دار در شهر ساری می‌پردازد. روش تحقیق مطالعه، از نوع پیمایش و علی - مقایسه‌ای است. جامعه‌ی آماری تحقیق را دو گروه زنان شاغل و زنان خانه‌دار تشکیل داده و حجم نمونه ۳۰۰ نفر (۱۵۰ نفر از هر گروه) است که با روش‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای، تصادفی ساده و نظام‌مند انتخاب شده‌اند. نتایج نشان داد که اختلاف معناداری در مصرف فراغت در بین زنان شاغل و خانه‌دار از نظر سه معیار میزان، نحوه و رضایت‌مندی وجود دارد. نتایج دلالت دوگانه بر تأیید نظریه‌ی هندرسون دارد که معتقد است «یک سبب برای همه مناسب نیست»، یعنی اگرچه در داخل قشربندی زنان نیز الگوی متفاوتی بر مصرف فراغتی حاکم بوده و تفاوت اصلی این الگو در بین زنان شاغل و خانه‌دار، بیشتر تفاوت در عمق و کیفیت است تا تفاوت در سطح و کمیت، اما مکان اصلی مصرف فراغت در بین زنان شاغل و خانه‌دار، خانه است.

### واژگان کلیدی

فراغت، مصرف فراغت، زمان فراغت، رضایت‌مندی از فراغت.

---

\*- دکترای جامعه‌شناسی توسعه، دانشگاه تهران، karamhabibpour@yahoo.com

\*\* - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، Hntabar@yahoo.com

\*\*\* - کارشناس ارشد مردم‌شناسی و مدرس دانشگاه پیام نور، R.Farajtabar@gmail.com

## ۱- مقدمه و طرح مسئله

اوقات فراغت<sup>۱</sup> و موضوعات مرتبط با آن یکی از مهم‌ترین مباحث روز دنیاست و در بسیاری از جوامع از نحوه صحیح پُرکردن اوقات فراغت مردم برای فرهنگ‌سازی و هویت‌سازی بهره‌برداری می‌شود. این اوقات، نزدیک‌ترین پیوند را با زندگی معنوی و فرهنگی افراد دارد. اوقاتی که به میل و اختیار در راه آموختن، آفریدن، تحقیق، تربیت، مشارکت‌های داوطلبانه‌ی اجتماعی، گسترش افق‌های اندیشه و بسیاری از ساحت‌های دیگر صرف می‌شود. فرد می‌تواند در اوقات فراغت کاری را که می‌پسندد، انجام دهد، شخصیت نهایی خود را باز یابد و آن را ابراز کند. بنابراین، قابلیت‌های فرد اغلب در عرصه‌ی اوقات فراغت جلوه‌گر می‌شود (شریفیان و دیگران، ۱۳۷۶: ۳۷).

منوی فراغتی هر جامعه‌ای، بر اساس شرایط اقتصادی - اجتماعی آن جامعه شکل می‌گیرد. بنابراین، گزینه‌های فراغتی از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر فرق می‌کند. فعالیت‌های فراغتی یک فرد آسیایی با یک فرد غربی، یک سالمند با یک جوان، یک مرد با یک زن، یک زن سنتی با یک زن مدرن و سایر طبقات تقابلی دیگر فرق می‌کند (Huda and Akhtar, 2006: 1-2).

با وجود این، تحقیقات مربوط به اوقات فراغت در کشور در حال توسعه‌ای همچون ایران، چندان گسترده و عمیق نیست. ایران زمینه‌های

---

1- Leisure Time

تاریخی، سیاسی و اجتماعی - فرهنگی منحصربه‌فردی دارد و مهم است که تحقیقات مختلف، ابعاد گوناگون این موضوع را برای تعمیق دانش و فهم آن بررسی کنند. این تحقیقات می‌توانند نقش مهم و سودمندی برای سیاست‌گذاری اوقات فراغت داشته باشند. همچنین، این پیش‌فرض که تحقیقات انجام شده در کشورهای توسعه‌یافته امکان تعمیم به کشورهای در حال توسعه را داشته باشند، اشتباه است.

در این میان، واقعیتِ نحوه‌ی مصرف فراغت توسط زنان، مسئله‌ی دیرپایی است که گریبان‌نیمی از جمعیت کشور، یعنی زنان، را گرفته است. اهمیت این مسئله از آن رو است که معلوم می‌شود سهم زنان در اوقات فراغت بسیار کمتر از مردان است و امکانات تفریحی، ورزشی و فراغتی آنها، نسبت به مردان بسیار کمتر و محدودتر است، اما عامل برجستگی تحقیق حاضر نسبت به ادبیات موجود، توجه به مصرف فراغتی زنان برحسب اشتغال و خانه‌داری است که مطالعات بسیار نادری پیرامون آن انجام شده است. نکته‌ی شایان ذکر در حوزه‌ی مصرف فراغتی زنان خانه‌دار و شاغل، نگرش‌های سنتی و محدود حاکم بر جامعه در خصوص چگونگی گذران این اوقات است. این مسئله در مورد زنانی که همواره خانه‌دار هستند و تصور آنها از جایگاهشان این است که تنها در چارچوب خانه و نه چیزی فراتر از آن جای دارند، در مقایسه با زنان شاغل نمود بیشتری دارد. قدر مسلم زنان شاغل، به دلیل برخورداری از شرایط کاری، روابط اجتماعی کاری، تجربه‌ی محیط اجتماعی

متفاوت و...، الگوی مصرف فراغتی متفاوتی نسبت به زنان خانه‌دار دارند. به تعبیر هندرسون<sup>۱</sup>، «یک سایز برای همه مناسب نیست»<sup>۲</sup> (۱۹۹۶: ۱۳۹-۱۵۴). یعنی در بین خود زنان نیز، الگوی فراغتی متفاوتی حاکم است.

این جریان کلی حاکم بر مصرف فراغت در بین زنان شاغل و خانه‌دار، به دلیل نگرش‌های سنتی حاکم بر جامعه، در بسیاری از استان‌های کشور از جمله استان مازندران (شهر ساری) نمود دارد. تأثیر اشتغال زنان در الگوی مصرف فراغتی را می‌توان در حوزه‌های متعددی مانند زمان و نحوه‌ی آن ملاحظه کرد؛ برای مثال، اشتغال زنان باعث تحدید اوقات، گزینه‌های فعالیت‌ها و فضاهای فراغتی آنها شده و به انحای دیگر در ساختار خانواده، به‌ویژه از منظر روابط بین زوجین و مادر و فرزند و نیز فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان، تأثیر خواهد گذاشت.

از این رو، مسئله‌ی اصلی در تحقیق حاضر این است که اشتغال زنان در شهر ساری چه تأثیری در چارچوب فراغتی آنها نهاده است؟ تحقیق حاضر سعی دارد با بررسی این مسئله، شکاف تجربی و نظری موجود در این حوزه را پر کند. در واقع، مقاله‌ی حاضر با پذیرش تفاوت الگوی مصرف فراغتی در بین زنان خانه‌دار و شاغل، در مقام پاسخ به این پرسش است که الگوی مصرف فراغتی در بین زنان شاغل و خانه‌دار، چه تفاوتی با یکدیگر دارد؟

1- Henderson

2- One Size doesn't Fit All

به عبارتی، شاخص‌ها و متغیرهای مربوط به الگوی مصرف فراغتی، از نظر سه معیار میزان، نحوه و رضایت‌مندی، چه وضعیتی در بین زنان شاغل و زنان خانه‌دار دارد؟

## ۲- پیشینه‌ی تحقیق

اوقات فراغت و نحوه‌ی گذران آن، یکی از شاخص‌های اساسی سبک زندگی به شمار می‌رود. به بیان دیگر، شیوه‌ی زندگی افراد معمولاً خود را در گذران اوقات فراغت نشان می‌دهد. در دنیای جدید، این ماکس وبر بود که با طرح گروه‌های منزلتی، راه را برای توجه به سبک زندگی و فراغت و انجام مطالعات پیرامون آن باز کرد (Katz-Gerro 1997: 627-646). پس از او، وبلن با طرح مصرف هم‌چشم‌مانه، بررسی‌های جدید سبک زندگی و فراغتِ طبقه‌ی تن‌آسا را مطرح کرد (وبلن ۱۳۸۳: ۶۹-۱۰۷).

اگرچه سابقه‌ی مطالعات فراغت به دهه‌ی ۱۹۴۰ برمی‌گردد، اما جامعه‌شناسی فراغت به عنوان یک رشته‌ی فرعی از جامعه‌شناسی، در دهه‌ی ۱۹۶۰ پا گرفت. پس از این دوره، با نهادینه شدن موضوع «مطالعات فراغت» در دانشگاه‌های آمریکای شمالی، این مطالعات گسترش یافتند (Roberts 2010:1). پس از آن، مطالعه راجع به فراغت زنان نیز حدود ۲۵ سال است که در ادبیات فراغت مطرح شده است. از این زمان به بعد، حجم زیادی از ادبیات در زمینه‌ی معانی فراغت و نقش آن در توانمندسازی یا تحدید زنان تولید شده است (Arab-Moghaddam and Henderson 2007: 109).

در ادامه، به برخی از مهم‌ترین ادبیات تجربی در داخل و خارج از کشور که در زمینه‌ی الگوی گذران فراغت در بین زنان صورت گرفته‌اند، اشاره می‌شود. حسینی و دیگران با بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت در بین زنان منطقه‌ی تحت پوشش پایگاه تحقیقات جمعیتی دکتر محمد قریب در شهر اراک، دریافتند که مدت زمان فراغت در بین زنان مورد مطالعه، به طور متوسط بین ۳ تا ۸ ساعت در شبانه‌روز است. اکثر آنها، عمده‌ی اوقات فراغت خود را با صحبت کردن با زنان دیگر در کوچه و خیابان و سپس تماشای تلویزیون می‌گذرانند و مطالعه، ورزش و فعالیت‌های اجتماعی کمترین نقش را در گذران این اوقات به خود اختصاص داده است. همچنین بیشتر این زنان اعتقاد داشتند که گذران اوقات فراغت به این شکل، نقشی در یادگیری آنها ندارد. از نظر این افراد، مهم‌ترین علت استفاده صحیح نکردن آنها از اوقات فراغت، نبود فضاهای فرهنگی مناسب مانند کتابخانه، ورزشگاه، مکان تفریحی و فرهنگ‌سراست (حسینی و دیگران ۱۳۸۴).

نیک‌پور و دیگران با بررسی نوع و مدت فعالیت‌های فیزیکی زنان شاغل در حیطه‌های شغلی و فراغتی در دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی ایران، دریافتند که میانگین فعالیت‌های فیزیکی زنان در محیط شغلی تقریباً ۴۲/۷ ساعت در هفته و فعالیت‌های فراغتی آنها ۱۶/۷ ساعت در هفته می‌باشد. میانگین هفتگی ساعات فعالیت فیزیکی زنان شاغل واقع در گروه سنی ۳۹-۳۰ سال، نسبت به سایر گروه‌های سنی کمتر

و در زنان با سطح درآمد خانوادگی خوب، نسبت به سایر زنان بیشتر بود. همچنین مدت فعالیت‌های فراغتی زنان شاغل، از مدت فعالیت‌های شغلی آنها کمتر بود و همچنین فعالیت‌های فیزیکی اوقات فراغت نیز در بین آنها بسیار اندک بوده است (نیک‌پور و دیگران ۱۳۸۴).

با مروری بر مطالعات خارجی در می‌یابیم که از نظر این مطالعات نیز، الگوی فراغتی زنان شاغل و خانه‌دار، تفاوت چشمگیری با هم دارد؛ برای نمونه، بیالسکی و هندرسون دریافتند که خانه، مکان اصلی گذران فراغت در بین اکثر زنان است. این موضوع، هم در بین زنان خانه‌دار و هم در بین زنان شاغل مصداق دارد (Bialeschki & Henderson 1986: 299-308). مطالعات بعدی سعی کردند به تجارب فراغتی زنان در خانه بپردازند. آنها نشان دادند که زنان فعالیت‌های فراغتی (مانند تماشای تلویزیون) را با وظایف خانگی ادغام می‌کنند. همچنین، برخی فعالیت‌ها توسط این زنان به عنوان فعالیت کاری یا فراغتی تجربه می‌شوند. برای مثال، برای برخی از این زنان، مراقبت از فرزند یا کار خانگی نوعی تجربه فراغتی است (Shaw 1987).

هرینگتون و دوسون دریافتند که زنان خانه‌دار در مقایسه با زنان شاغل، در هنگام گذران فراغت خود کمتر احساس استقلال، شایستگی، سرزندگی و بازی‌گوشی و زنانگی می‌کنند. از نظر لذت بردن از فراغت نیز زنان خانه‌دار نسبت به زنان شاغل، به دلیل فقدان مهارت‌ها و فرصت‌ها، ضعف خویش‌شناسی، ترس، ارزش‌های فردی و این باور که برخی فعالیت‌های

فراغتی فقط برای مردان است، موانع بیشتری را احساس می‌کنند. در نتیجه، لذت گذران فراغت در زنان خانه‌دار، کم‌تر از زنان شاغل است (Harrington & Dawson 1995:4-24). مُغالو و ابویهی دریافتند که زنان حرفه‌ای شاغل در جنوب غربی نیجریه، زمان فراغتی زیادی ندارند. برخی از آن‌ها از زمان فراغت خود برای خواب و استراحت و برخی دیگر برای انجام کارهای طاقت‌فرسای خانگی استفاده می‌کنند. آنها فراغت را غیرمهم و به عنوان فعالیت‌های مختص مردان می‌دانند. در نتیجه برداشت و نگرش زنان نسبت به فراغت و ناتوانی آنها در داشتن فراغت، محصول اجتماعی‌شدنی است که ریشه در پدرسالاری حاکم بر جامعه دارد و مردانگی و زنانگی را دیکته می‌کند. طبق این سنت، زنان به دلیل کارهای خانگی مانند نگهداری از فرزندان، همسر و کارهای خانه، زمان کافی برای فراغتشان ندارند (Muoghalu and Eboiyehi 2001:49-63). نتایج مطالعه هُدا و اختر نشان داد که زنان شاغل زمان کمتری برای فعالیت‌های فراغتی در اختیار دارند. زنان فرزنددار نیز، موانع زمانی بیشتری در گذران فراغت دارند. به علاوه، عمده‌ترین فعالیت‌های فراغتی زنان شاغل تماشای تلویزیون، گوش دادن به موسیقی، مطالعه و دیدار دوستان است (Huda & Akhtar 2006).

استودولسکا در مطالعه‌ی خود نشان داده است که گذران فراغت، مشروط به پایگاه خاص خانوادگی و همچنین شبکه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (Stodoleska 2006: 143-167). در مطالعه واگنر و دیگران



ملاحظه شد که به دلیل فقدان منابع اوقات فراغت برای برخی از گروه‌های اقلیتی، درگیری جوانان در فعالیت‌های فراغتی سالم محدود شده است. لذا، بسیاری از جوانان وقت خود را در گروه‌های خارج از خانه و در خیابان‌ها سپری می‌کنند (Wagner & et al 2006: 249-266). کلارک رابطه‌ی معنادار خطی بین منزلت شغلی و اوقات فراغت مشاهده کرده است (Clark 1956:301). وایت دریافت که طبقات متوسط رو به بالا، ساعات بیشتری را صرف اوقات فراغت می‌کنند. از سوی دیگر، الگوی گذران اوقات فراغت نیز، با تغییر در پایگاه طبقاتی و سن افراد تغییر می‌کند (Larabi 1961). همچنین زمانی که زنان در جوامع مختلف صرف فعالیت‌های فیزیکی در دو حیطه شغلی و اوقات فراغت می‌کنند، متفاوت است. نتایج تحقیقی در شیکاگو در مورد فعالیت‌های فیزیکی زنان نشان داد که از ۱۶۸ ساعت در هفته، به‌طور متوسط ۳۸ ساعت (۲۲/۴ درصد) صرف فعالیت‌های شغلی و ۱۷ ساعت (۲۲/۴ درصد) صرف فعالیت‌های فراغتی می‌شود (Wilbur & el al 1998: 383).

مروری بر ادبیات تجربی تحقیق در داخل و خارج از کشور از یک طرف و توجه به جایگاه تحقیق حاضر در بین مطالعات موجود، دلالت بر این واقعیت دارد که مطالعه‌ی حاضر با رویکرد تطبیقی به موضوع مصرف فراغتی زنان در دو گروه خانه‌دار و شاغل پرداخته است، این در حالی است که تمامی مطالعات قبلی داخلی و بیشتر مطالعات قبلی خارجی، تنها به

بررسی مصرف فراغت در داخل هر کدام از این دو گروه زنان خانه‌دار و شاغل پرداخته و فاقد رویکرد تطبیقی مورد نظر در این تحقیق بوده‌اند. از این حیث، مطالعه حاضر، فتح بابی برای مطالعات تطبیقی بیشتر در این حوزه در سطح کشور است.

### ۳- چارچوب نظری

اندیشمندان و محققان بسیاری با دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف و گاه متفاوت به موضوع اوقات فراغت پرداخته و آن را بررسی قرار کرده‌اند. از جمله‌ی این دیدگاه‌ها، می‌توان به نظریه‌های ترستون و بلن (۱۳۸۳)، کریس روجک<sup>۱</sup> (۱۹۹۵)، پیر بوردیو<sup>۲</sup> (۱۹۸۴) اشاره کرد. نظریه‌های جنسیتی نیز از زوایای مقایسه زنان و مردان، مصرف فراغت زنان را بررسی کرده‌اند. از این رو، هیچ یک از این نظریه‌ها نمی‌توانند به تبیین الگوی مصرف فراغت در داخل گروه زنان بپردازند.

از همین رو، چارچوب نظری انتخابی این تحقیق برای مقایسه‌ی الگوی مصرف فراغت در بین زنان شاغل و خانه‌دار، صورت اصلاح‌شده‌ی نظریه‌ی «شکاف فراغتی»<sup>۳</sup> است که اولین بار توسط خانم آرلی هاچیلد<sup>۴</sup> مطرح شد. بدین معنی که نظریه‌ی هاچیلد در رابطه با شکاف فراغتی بین زنان و مردان

1- Chris Rojek

2- Pierre Bourdieu

3- Leisure Gap

4- Arlie Hochschild

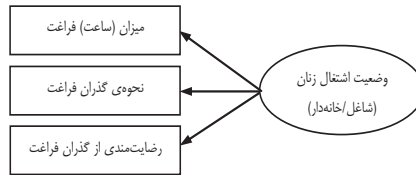
فرمول‌بندی شد، اما در تحقیق حاضر، این نظریه به بررسی شکاف مصرف فراغت در بین دو گروه زنان شاغل و زنان خانه‌دار توجه دارد. هاچیلد بر اساس این نظریه، به مطالعه‌ی دینامیک زندگی روزمره در بین زوج‌های هر دو شاغل در ایالات متحده پرداخت و معتقد است که مردان و زنان دسترسی نابرابری به فراغت دارند، چون انجام دادن کار «نوبت دوم» در داخل خانه باعث کاهش زمان فراغتی زن‌ها می‌شود (Such 2001). درباره‌ی دو گروه زنان شاغل و زنان خانه‌دار نیز، همین جریان حاکم است. زنان شاغل به دلیل گذران بخشی از زمان خود در محل کار، طبیعی است که توازن بین اضلاع مثلث کار - خانواده - فراغت در بین آنها از بین رفته و شاید در یک یا دو مورد بر دیگری برجستگی بیابد.

به علاوه، نباید فراموش کرد که بنا بر نظر براون و دیگران، انگاره‌ی فراغت زنان شاغل تحت تأثیر باورهای نقش جنسیتی، نقش‌های کاری، زندگی خانوادگی و دسترسی به زمان، دچار محدودیت‌هایی است (Brown & et al 1986). کی اشاره می‌کند که مادران شاغل، نقش والدینی خود را مهم‌ترین بُعد از زندگی‌شان توصیف می‌کنند. در نزد آنان، فراغت یک امر مطلوب اما باقی مانده و در حاشیه است. مشارکت زنان در مصرف فراغت هم از شرایط پیش از گذران فراغت تأثیر می‌پذیرند و هم از شرایط در جریان گذران آن. موقعیتی که زنان در سلسله مراتب اجتماعی دارند نیز در میزان، نوع و نحوه‌ی انجام دادن فعالیت‌های فراغتی مؤثر است. به بیان دیگر، هم

ساختارهای اجتماعی و سلسله مراتب اجبارها و هم تجربیات فرد و موقعیتی که آنها در سلسله مراتب اجتماعی دارند در اوقات فراغت زنان اثر می‌گذارند (Katz-Gerro 1999: 627-646).

از سوی دیگر، مصرف اوقات فراغت بین جمعیت‌های زنان نامتوازن توزیع شده است؛ برای مثال، زنان وابسته به طبقات متخصص و حرفه‌ای بیشتر اوقات فراغت را در بیرون از خانه سپری می‌کنند، اما زنان وابسته به کارگران ساده و بی‌تخصص ممکن است اوقات فراغت خود را بیشتر در خانه بگذرانند. این موضوع به معنای آن نیست که برای مثال در ساخت اقتصاد مبتنی بر دانش، زنانی که جایگاه بهتری دارند، وقت بیشتری هم برای اوقات فراغت دارند. چراکه به تعبیر گیدنز، آنها باید دائم در حال دست‌کاری اوقات کار برای ایجاد اوقات آزاد باشند (Giddens 2001).

در مجموع، در این تحقیق، با ترکیب نظریه‌ی شکاف فراغتی هاچیلد و پیشینه‌ی تجربی تحقیق (اشاره شده در بند بعدی)، الگوی مصرف فراغت در بین زنان شاغل و خانه‌دار بر اساس سه متغیر میزان، نحوه و رضایت‌مندی مقایسه خواهد شد. این سه متغیر به صورت مدل تحلیلی در شکل شماره‌ی (۱) نشان داده شده‌اند.



شکل (۱) مدل نظری تحقیق

#### ۴- فرضیه‌های تحقیق

۱. میزان (ساعت) فراغت در بین دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار متفاوت است.
۲. بین وضعیت اشتغال و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت در بین دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار رابطه وجود دارد.
۳. بین وضعیت اشتغال و میزان رضایت‌مندی از نحوه‌ی گذران اوقات فراغت در بین دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار رابطه وجود دارد.

#### ۵- روش‌شناسی تحقیق

##### ۵-۱- روش تحقیق

برای انجام دادن این تحقیق، از روش‌شناسی تحقیق کمی استفاده شده است و روش تحقیق استفاده شده در آن نیز، پیمایش با ماهیت علی - مقایسه‌ای است که در آن به مقایسه‌ی الگوی مصرف فراغت در بین دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار پرداخته شده است. با توجه به اینکه این تحقیق درصدد مطالعه‌ی گذران اوقات فراغت بوده و متغیرها در سطح فرد (یعنی

زنان) سنجش و بررسی شده است، واحد تحلیل آن «فرد» است. در ضمن، جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از طریق ابزار پرسش‌نامه انجام گرفته است.

### ۲-۵- جامعه‌ی آماری، حجم نمونه و شیوه‌ی نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری تحقیق را، دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار (غیرشاغل) شهر ساری، مرکز استان مازندران، تشکیل داده‌اند که از بین آنها، تعداد ۳۰۰ نفر (۱۵۰ نفر زنان شاغل و ۱۵۰ نفر زنان خانه‌دار) بر اساس فرمول کوکران به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند.

از لحاظ شیوه‌ی نمونه‌گیری در سطح شهر و در بین زنان خانه‌دار نیز، در این مطالعه تلفیقی از شیوه‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای (خوشه‌هایی از مناطق، نواحی و بلوک‌های مختلف شهر ساری) و تصادفی ساده به منظور انتخاب زنان خانه‌دار و تکمیل پرسش‌نامه در میان آنها استفاده شد.

### ۳-۵- سنجش‌ها

- وضعیت اشتغال: متغیر مستقل این تحقیق، وضعیت اشتغال زنان است که در دو گزینه‌ی «خانه‌دار» و «شاغل» تعریف و عملیاتی شده است.

- اوقات فراغت: اوقات فراغت، فرصت و زمانی است که پس از کار موظف روزانه باقی می‌ماند و فرد به هنگام آسودگی با شوق و رغبت اقدام به تفریحات، سرگرمی‌ها و توسعه‌ی آگاهی‌ها و فعالیت‌های مفروض جهت رفع خستگی و تجدید قوا و گریز از وقایع ملال‌انگیز روزانه و بالاخره

فعالیت‌هایی می‌کند که به رشد و تعالی شخصیت منجر شود (سازمان برنامه و بودجه ۱۳۵۲: ۳۱۷). در این تحقیق، اوقات فراغت به عنوان متغیر وابسته در سه بُعد میزان، نحوه و رضایت‌مندی سنجیده شده است.

- **میزان (ساعت) فراغت:** این متغیر در آمار توصیفی در قالب مقیاس ترتیبی با سه گزینه‌ی کمتر از ۵ ساعت، ۶ تا ۱۰ ساعت، و بالاتر از ۱۰ ساعت و در آمار استنباطی در قالب مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده است.

- **نحوه‌ی گذران فراغت:** در تحقیق حاضر، متغیر نحوه‌ی گذران فراغت با استفاده از نوع فعالیت فراغتی سنجیده شده و طی این ۱۲ نوع فعالیت، از پاسخ‌گویان خواسته شده تا میزان انجام دادن هر کدام از این فعالیت‌های فراغتی را بر مبنای طیف لیکرت نشان دهند: شرکت در فعالیت‌های تفریحی؛ شرکت در فعالیت‌های ورزشی؛ گوش دادن موسیقی؛ صحبت با همسایگان؛ استفاده از کامپیوتر؛ تماشای تلویزیون؛ شرکت در جشن‌ها و میهمانی‌ها؛ مطالعه؛ شرکت در فعالیت‌های اجتماعی؛ شرکت در مراسم مذهبی؛ رفتن به سینما و تئاتر و در نهایت تماشای ماهواره. مقدار آلفای محاسبه شده برای این مقیاس برابر با ۰/۷۶ است که نشان از سازگاری درونی و به‌عبارتی پایایی بالای ابزار اندازه‌گیری برای سنجش نحوه‌ی گذران فراغت دارد.

- **رضایت‌مندی از گذران اوقات فراغت:** احساس رضایت، بازتاب توازن میان آرزوهای شخصی و وضعیت عینی فردی می‌باشد (اینگلهارت ۱۳۷۳: ۲۴۱). در این تحقیق، میزان رضایت‌مندی در دو بُعد «رضایت از میزان

اوقات فراغت» و «رضایت از نحوه گذران اوقات فراغت» مد نظر است. مقدار آلفای این شاخص برابر با ۰/۸۱ محاسبه شد که میزان بالای سازگاری درونی بین گویه‌ها و در نتیجه مقیاس رضایت‌مندی از گذران اوقات فراغت را نشان می‌دهد.

#### ۵-۴- تحلیل آماری

داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌های تکمیل شده در بین ۳۰۰ نفر از زنان شاغل و خانه‌دار ساکن در شهر ساری، با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS19 تجزیه و تحلیل شده‌اند. برای شناسایی توزیع متغیرهای وابسته و مستقل تحقیق، از آمار توصیفی استفاده شد. برای آزمون فرضیات تحقیق مبنی بر تفاوت متغیرهای وابسته مربوط به مصرف فراغت در بین زنان شاغل و خانه‌دار نیز، از آزمون t با دو نمونه مستقل، آزمون کای اسکوتر چندبُعدی استقلال و شاخص پیوند وی‌کرامر استفاده شد.

#### ۶- یافته‌های تحقیق

##### ۶-۱- یافته‌های توصیفی

۱- سن: ۵۲/۴ درصد از زنان خانه‌دار و ۵۶/۱ درصد از زنان شاغل در گروه سنی ۳۰ سال و بالاتر واقع شده‌اند.

۲- تحصیلات: ۷۲/۴ درصد از زنان خانه‌دار و ۸۵/۷ درصد از زنان شاغل تحصیلات دانشگاهی (کاردانی و بالاتر) داشتند. همچنین ۲۷/۶ درصد از



زنان خانه‌دار و ۱۴/۳ درصد از زنان شاغل تحصیلات غیردانشگاهی (دیپلم و پائین‌تر) داشتند.

۳- ساعت فراغت: ۷۳/۳ درصد از زنان خانه‌دار و ۳۷/۲ درصد از زنان شاغل بالاتر از ۵ ساعت در روز اوقات فراغت داشته‌اند.

جدول (۱) توزیع نسبی پاسخ‌گویان بر حسب ویژگی‌های زمینه‌ای

متغیر	طبقات	زنان خانه‌دار	زنان شاغل	متغیر	طبقات	زنان خانه‌دار	زنان شاغل
سن	پائین‌تر از ۲۵ سال	۱۴/۳	۱۳/۴	ساعت فراغت (در روز)	۵ ساعت و کمتر	۲۶/۸	۶۲/۸
	۲۵-۲۹ سال	۳۳/۳	۳۰/۵		۶-۱۰ ساعت	۴۸/۶	۲۸/۶
	۳۰-۳۴ سال	۲۶/۷	۲۰		بالاتر از ۱۰ ساعت	۲۴/۷	۸/۶
	۳۵-۳۹ سال	۱۱/۴	۱۸/۱				
	۴۰ سال و بالاتر	۱۴/۳	۱۹				
کل	۹۸۰	۱۰۰	کل	۹۸۰	۱۰۰		
تخصص	دیپلم و پائین‌تر	۲۷/۶	۱۴/۳	تخصص	کل	۹۸۰	۱۰۰
	فوق دیپلم	۲۹/۵	۲۷/۶				
	لیسانس	۳۶/۲	۴۹/۵				
	فوق لیسانس و بالاتر	۶/۷	۸/۶				
	کل	۹۸۰	۱۰۰				

## ۶-۲- یافته‌های تحلیلی - استنباطی

الف- فرضیه‌ی اول: «میزان (ساعت) فراغت در بین دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار متفاوت است».

آزمون t با دو نمونه مستقل نشان داد که میزان (ساعت) فراغت روزانه در بین زنان خانه‌دار ( $M = ۱۳/۵۲$ ,  $SD = ۷۱/۲$ ) بیشتر از زنان شاغل ( $M = ۱۰/۴۱$ ,  $SD = ۱۰/۴۱$ ) است ( $M = ۶۳/۸$ ) است ( $p < ۰/۰۵$ ,  $t(۱۰۳) = ۱/۳۵$ ).

جدول (۲) مقایسه‌ی میانگین ساعت فراغت در بین دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار

مقدار احتمال (P)	درجه آزادی	t	انحراف استاندارد (SD)	میانگین ساعت فراغت روزانه (M)	تعداد	گروه‌ها
۰/۰۵	۱۰۳	۱/۳۵	۱۰/۴۱	۶۳/۸	۱۰۵	زنان شاغل
			۱۳/۵۲	۷۱/۲	۱۰۵	زنان خانه‌دار

ب- فرضیه‌ی دوم: «بین وضعیت اشتغال و نحوه‌ی گذران فراغت در بین دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار رابطه وجود دارد».

برای آزمون تفاوت نحوه‌ی گذران اوقات فراغت در بین زنان شاغل و خانه‌دار، آزمون کای اسکوئر چندبُعدی استقلال اجرا شد. طبق نتایج به دست آمده، رابطه بین این متغیرها (یعنی وضعیت اشتغال و نحوه‌ی گذران فراغت) معنی‌دار بود،  $p < ۰/۰۱$ ،  $\chi^2(۷۷, N = ۳۰۰) = ۹/۳۴۲$ . از سوی دیگر، شدت همبستگی به دست آمده (Cramer's  $V = ۰/۶۱$ ) نیز حاکی از آن است که همبستگی بین وضعیت اشتغال و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت در حد متوسط رو به بالاست. از طرف دیگر، میزان گذران تمامی فعالیت‌های فراغتی

در بین زنان شاغل و خانه‌دار متفاوت است.

توزیع نسبت‌ها در جدول نیز حاکی است که نسبت انجام دادن فعالیت‌هایی مانند شرکت در فعالیت‌های تفریحی، شرکت در فعالیت‌های ورزشی، گوش دادن به موسیقی، صحبت با همسایگان، شرکت در فعالیت‌های اجتماع، شرکت در مراسم مذهبی و رفتن به سینما و تئاتر، در بین زنان خانه‌دار بیش‌تر از زنان شاغل است. از زاویه‌ای دیگر، طبق این نتایج، جریان کلی شرکت در فعالیت‌های فراغتی فعال، بیشتر به نفع زنان خانه‌دار است تا زنان شاغل. گرچه شاهدیم که در برخی فعالیت‌های فراغتی غیرفعال مانند تماشای تلویزیون و ماهواره نیز، باز میزان استفاده‌ی زنان خانه‌دار بیشتر از زنان شاغل است.

جدول (۳) آزمون رابطه‌ی بین وضعیت اشتغال زنان و نحوه‌ی گذران فراغت

مقدار احتمال (P)	Cramer's V	٪	اصلاً	کم	متوسط		زیاد		میزان انجام فعالیت فراغتی به تنهیک گروه‌ها	نوع فعالیت فراغتی	
					متوسط	زیاد					
۰/۰۱	۰/۶۷	۱۱/۸۷۱	۱۰/۲	۹	۲۸/۸	۲۰/۷	۳۴/۳	۴۳	۱۶/۷	۲۷/۳	شرکت در فعالیتهای تفریحی
۰/۰۱	۰/۶۳	۱۲/۳۴۲	۲۴	۱۱/۸	۴/۵	۳۰/۲	۲۵/۵	۳۷	۱۰	۲۱	شرکت در فعالیتهای ورزشی
۰/۰۵	۰/۵۱	۹/۱۲۱	۴۷	۳۳	۳۰	۴۱/۵	۱۵	۱۸/۵	۸	۱۷	گوش دادن به موسیقی
۰/۰۵	۰/۵۳	۹/۲۱۲	۵۳/۷	۲۴	۲۸/۵	۴۰	۱۱/۵	۲۰/۵	۶/۳	۱۵/۵	صحبت با همسرانگان
۰/۰۵	۰/۶۱	۹/۱۴۲	۶۳	۵۶/۸	۲۰	۲۱/۵	۱۰/۸	۱۲/۲	۶/۲	۹/۵	استفاده از کامپیوتر
۰/۰۱	۰/۶۸	۱۲/۶۷۱	۵	۲/۹	۳۳	۹/۸	۳۵/۱	۳۶/۱	۴۶/۹	۵۱/۲	تماشای تلویزیون
۰/۰۵	۰/۵۰	۹/۱۱۲	۳۰	۲۰	۴۵	۴۰	۱۵	۲۸	۱۰	۱۲	شرکت در جشن‌ها و میهمانی‌ها
۰/۰۵	۰/۴۸	۹/۰۰۱	۳۳/۵	۳۷/۵	۳۶/۳	۳۹/۷	۱۸/۷	۱۲/۳	۱۱/۵	۱۰/۵	مطالعه
۰/۰۵	۰/۴۵	۸/۲۲۱	۵۳	۲۷	۲۷	۳۳	۱۳	۲۳	۷	۱۷	شرکت در فعالیتهای اجتماع
۰/۰۵	۰/۴۷	۸/۶۷۸	۶۶	۳۶	۱۱	۲۰	۹	۲۰	۱۴	۲۴	شرکت در مراسم مذهبی
۰/۰۵	۰/۴۹	۹/۰۱۴	۷۰	۵۰	۱۸	۳۳	۷	۱۵	۵	۱۲	رفتن به سینما و تئاتر
۰/۰۱	۰/۶۸	۱۲/۵۸۹	۱۴	۱۰	۲۶/۴	۲۰	۲۳	۲۵	۳۸/۶	۴۵	تماشای ماهواره
۰/۰۱	۰/۶۱	۹/۳۴۲	۴۰/۲	۲۵/۷	۲۶/۱	۲۹/۱	۱۸/۵	۲۴/۲	۱۵/۲	۲۱/۸	کل فعالیت‌های فراغتی

ج- فرضیه‌ی سوم: «بین وضعیت اشتغال و میزان رضایت‌مندی از نحوه‌ی گذران فراغت در بین دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار رابطه وجود دارد».

میزان رضایت‌مندی از نحوه‌ی گذران فراغت در بین دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار متفاوت است،  $P < 0/05$ ،  $\chi^2(3, N = 300) = 12/691$ . رابطه‌ی قوی بین وضعیت اشتغال و رضامندی از نحوه‌ی گذران فراغت نیز، بر اساس مقدار شاخص وی کرامر ( $V = 0/54$ ) روشن است. بدین معنی که زنان شاغل رضایت بیشتری از نحوه‌ی گذران فراغت دارند تا زنان خانه‌دار.

جدول (۴) آزمون رابطه بین وضعیت اشتغال زنان و میزان رضایت‌مندی از نحوه‌ی گذران

فراغت

زنان خانه‌دار	زنان شاغل	میزان رضایت از نحوه‌ی گذران اوقات فراغت	
		گروه‌ها	
۱۲	۲۳	فراوانی	زیاد
		درصد	
۱۱	۲۱/۸	فراوانی	متوسط
		درصد	
۴۸	۵۷	فراوانی	کم
		درصد	
۲۷	۱۴	فراوانی	اصلاً
		درصد	
۲۵/۷	۱۳	فراوانی	کل
		درصد	
۱۸	۱۱	فراوانی	
۱۷/۳	۱۰	درصد	
۱۰۵	۱۰۵	فراوانی	
۱۰۰	۱۰۰	درصد	

$$\chi^2 = 12/691 \quad df = 3 \quad P < 0/05 \quad \text{Cramer's } V = 0/54$$

## ۷- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر مبنی بر مقایسه‌ی مصرف فراغت در بین زنان شاغل و خانه‌دار، با هدف بررسی نقش اشتغال زنان در مصرف فراغت و نیز تثلیث کار - خانواده - فراغت، حاکی است که الگوی گذران فراغت در بین زنان شاغل و خانه‌دار از نظر سه معیار میزان، سبک و رضایت‌مندی متفاوت بوده و تفاوت اصلی الگوی گذران فراغت در بین زنان شاغل و خانه‌دار، تفاوت در عمق و کیفیت است تا تفاوت در سطح و کمیت.

نتایج مطالعه‌ی حاضر نشان داد که زمان فراغت زنان خانه‌دار، بیشتر از زنانی است که در بازار کار شاغل هستند. به‌طوری که تفاضل زمان فراغتی این دو گروه به  $7/4$  ساعت می‌رسد. این نتیجه، بازتاب نظریه «شکاف فراغتی» هاجیلد است که بر اساس آن، زنان شاغل به دلیل پرداختن به «کار نوبت دوم» در داخل خانه، دسترسی نابرابری به فراغت دارند و همین موضوع باعث کاهش زمان فراغتی آنها می‌شود. زنان شاغل به دلیل گذران بخشی از زمان خود در محل کار، طبیعی است که توازن بین اضلاع مثلث کار - خانواده - فراغت در بین آنها از بین رفته و ممکن است یک یا دو مورد از آن بر دیگری برجستگی بیابد. نتایج مطالعات داخلی و خارجی دلالت بر نتایج مشابهی مبنی بر کمتر بودن مدت زمان فراغتی زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار داشت (نیک‌پور و دیگران؛ ۱۳۸۴؛ Wilbur 1998؛ Huda and Akhtar 2006). از طرفی، با توجه به ساعت فراغت بیشتری که زنان خانه‌دار نسبت

به زنان شاغل دارند، از نظر زمان گذران فراغت نیز، طبیعی است که زنان شاغل به دلیل اشتغال در بازار کار و فقدان وقت کافی برای گذران فراغت در ساعات دلخواه، لاجرم باید فراغت خود را در زمان تعطیلات سپری کنند، اما زنان خانه‌دار با فراغت بال و گستره‌ی بیشتری از زمان، می‌توانند از زمان فاصله بگیرند و هر زمانی که مایل بودند، فراغت خود را سپری کنند.

اما نکته‌ی شایان ذکر، در رضایت از نحوه‌ی گذران فراغت است که مؤلفه‌ای مهم در مطالعات مربوط به الگوی گذران فراغت به حساب می‌آید. نتایج این مطالعه، گرچه نشان از میزان بالا و نیز زمان بیشتر فراغت در بین زنان خانه‌دار داشت، اما نتیجه‌ای که در پس این یافته‌ها استنباط می‌شود، نارضایتی بیشتر زنان خانه‌دار از نحوه‌ی گذران فراغت است. نتایج این مطالعه نشان داد که در مقایسه با زنان خانه‌دار، زنان شاغل رضایت بیشتری از نحوه‌ی گذران فراغت دارند. چنین نتیجه‌ای دلالت بر آن دارد که زنان شاغل به دلایل مختلفی همچون فراغت کمتر و شاید تحصیلات بالاتر و... استفاده‌ی بهتر و مطلوب‌تری از زمان فراغت خود می‌برند تا زنان خانه‌داری که از نظر زمانی، فرصت بیشتری برای گذران فراغت دارند. علاوه بر این، همگام با مطالعات داخلی قبلی، نتایج تحقیق حاضر نشان داد که مدت فعالیت‌های فراغتی زنان شاغل، از مدت فعالیت‌های شغلی آنها کمتر است (نیک‌پور و دیگران ۱۳۸۴). از این رو، به تعبیر گیدنز این زنان باید دائم در حال دست‌کاری اوقات کار برای ایجاد اوقات آزاد باشند (Giddens, 2001).

بنابراین، دلالت تمامی یافته‌ها بر این است که تفاوت اصلی الگوی گذران فراغت در بین زنان شاغل و خانه‌دار، تفاوت در عمق و کیفیت است تا تفاوت در سطح و کمیت.

یافته‌ها نشان داد که نسبت انجام دادن فعالیت‌هایی مانند شرکت در فعالیت‌های تفریحی، شرکت در فعالیت‌های ورزشی، گوش دادن به موسیقی، صحبت با همسایگان، شرکت در فعالیت‌های اجتماع، شرکت در مراسم مذهبی، رفتن به سینما و تئاتر و تماشای ماهواره، در بین زنان خانه‌دار بیشتر از زنان شاغل است. علی‌رغم این، تدقیق در این یافته حاکی است که مکان اصلی مصرف فراغت زنان، اعم از خانه‌دار و شاغل، همچنان منزل بوده و غالب فعالیت فراغتی آنها مانند تماشای تلویزیون و ماهواره در منزل سپری می‌شود. مطالعات خارجی نیز به نتایج مشابهی دست یافتند (Bialeschki & Henderson 1986؛ Shaw 1987).

در پایان، باید به این نکته اشاره کرد که به اعتقاد جامعه‌شناسان، فراغت تجربه‌ای است که فرد هنگام رهایی از اشتغالات و الزامات کار روزانه، بر اساس تمایلات و رهیافت‌های شخصی و مشارکت داوطلبانه متناسب با نیاز و ذوق خود انتخاب می‌کند تا جسم، فکر و شخصیت او رشد و پرورش یابد. سیاست فرهنگی نظام اسلامی در خصوص اوقات فراغت نیز، بر مبنای زمینه‌سازی جهت گذران مطلوب، مفید و سازنده‌ی آن و هدایت فکری و عملی و بارورسازی اوقات زندگی است؛ لذا، فراغت در نظام ارزشی اسلام، جنبه‌ی فرهنگی داشته و از صورت تفریح و سرگرمی صرف خارج



شده و زمانی برای رشد و شکوفایی استعدادها، تقویت روحیه، مشارکت فعال فرهنگی و اجتماعی و زمان خودسازی در عین کسب نشاط پایدار، شادابی، طراوت و کارایی و رفع خستگی فکری و روانی در زندگی فردی و جمعی است. بنابراین ضروری است که با اجرای سیاست‌های مناسب و سنجیده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ایجاد تسهیلات و خدمات، فراهم کردن فضاهای مناسب فرهنگی و ورزشی و... از هدر رفتن اوقات فراغت پیشگیری کرده و به باروری آن کمک نمود و از این راه، بر غنای علمی و فرهنگی جامعه افزود. تحولات اجتماعی - فرهنگی کشور نیز، ایجاب می‌کند که با برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های مناسب، توجه بیشتری به اوقات فراغت زنان شود.

توجه به تنظیم و ارائه‌ی برنامه‌های فرهنگی ویژه بانوان، متناسب با ویژگی‌های شخصیتی زنان و جهت‌دهی زنان خانه‌دار برای بهره‌وری بهینه از اوقات فراغت در خانه از طریق افزایش سطح آگاهی، انجام کارهای عام‌المنفعه و کسب سایر مهارت‌های فردی و اجتماعی توسط رسانه‌های مختلف و آموزش‌های غیرحضور، از جمله پیشنهاد‌های این تحقیق است. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه مکان اصلی مصرف فراغت زنان، اعم از خانه‌دار و شاغل، همچنان منزل است و غالب فعالیت فراغتی آنها در منزل سپری می‌شود، ضمن اینکه برخی از برنامه‌های فراغتی که دولت برای آنان برای خروج مکان فراغتی‌شان از منزل برنامه‌ریزی می‌کند، برنامه‌های مناسبی را هم برای غنی‌سازی فراغت‌شان در چارچوب منزل فراهم سازد.

### منابع

- ◀ استناداری مازندران ۱۳۸۶. آمار اشتغال زنان. اداره کل امور بانوان و خانواده. بخش آمار.
- ◀ اینگلهارت، رونالد ۱۳۷۳. تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر.
- ◀ حسینی، معصومه، لیلا رحیمی، زهرا آجرلو، زهره مجیدی و نسرين روزبهانی. «بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت در بین زنان منطقه تحت پوشش پایگاه تحقیقات جمعیتی دکتر محمد قریب شهر اراک». مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک، ش ۱۷، (۱۳۸۴).
- ◀ روچک، کریس ۱۳۸۸. نظریه فراغت: اصول و تجربه‌ها، ترجمه عباس مخبر، تهران، شهر.
- ◀ سازمان برنامه و بودجه. سمینار ملی رفاه اجتماعی. مجموعه مقالات فراغت. تهران، (۱۳۵۲).
- ◀ شریفیان، مسعود، سید ابوالفضل اخوی راد و کیومرث ایران‌شاهی. چگونگی پرداختن به فعالیت‌های اوقات فراغت در بین جوانان و نوجوانان، تهران، دبیرخانه شورای عالی جوانان، (۱۳۷۶).
- ◀ نیک‌پور، صغری، افتخارالسادات حاجی کاظمی و حمید حقانی. «بررسی نوع و مدت فعالیت‌های فیزیکی زنان شاغل در حیطة‌های شغلی و اوقات فراغت در دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی ایران». مجله دانشگاه علوم پزشکی ایران، دوره ۱۲، ش ۴۶، (۱۳۸۴).
- ◀ وبلن، ترستون ۱۳۸۳. نظریه طبقه مرفه، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نی.
- Arab-Moghaddam, N. and Henderson, K. A. "Women's Leisure and Constraints to Participation: Iranian Perspectives", *Journal of Leisure Research*, Vol. 39, No. I, (2007).
- Bialeschki, D. and K. Henderson. "Leisure in the common world of women", *Leisure Studies*, Vol. 5, No. 3, (1986).
- Bourdieu, P. "Distinction: A social critique of the judgement of taste.

- London”, *Routledge Press* (1984).
- Brown, B. A.; Griggs, S.; Evans, P. M. 1986. *Working women: leisure and life quality*, North York, Ontario.
  - Clark, A. C. “The Use of leisure and its relation to levels of occupational prestige”, *American Sociological Review*, Vol. 21, (1956).
  - Corrigan, P. 1997, “The Sociology of Consumption”. London, Sage.
  - Giddens, A. 2001, *Sociology*, Polity Press.
  - Harrington, M. and Dawson, D. “Who has it best? Women’s labor force participation, perceptions of leisure and constraints to enjoyment of leisure”. *Journal of Leisure Research*, Vol. 27 No. 1, (1995).
  - Henderson, K. A. “One size doesn’t fit all: The meaning of women’s leisure”, *Journal of Leisure Research*, 28, (1996).
  - Huda, S. and Akhtar, A. “Leisure Behaviour of Working Women of Dhaka Bangladesh”, *The International Journal of Urban Labour and Leisure*, 7(1), (2006).
  - Hunnicutt, B. K. “Work without End: Abandoning Shorter Hours for the Right to Work”. *Philadelphia: Temple University Press* , (1988).
  - Katz-Gerro, T. “Cultural Consumption and Social Stratification: Leisure Activities, Musical Tastes, and Social Location”. *Sociological Perspectives*, Vol. 42, No. 4, (1999).
  - Kay, T. “Having it all or doing it all? The construction of women’s lifestyles in time-crunched households”, *Society and Leisure*, vol. 21, no. 2, (1998).
  - Larrabee, E. R. 1961. *Mass Leisure*, Illionis, The Free Press Glencoe Illionis.

- Muoghalu, C. O. and F. A. Eboiyehi, "Leisure Perception and Participation among Professional Women in Ile- Ife of Southwestern Nigeria", *African Research Review*, Vol. 5 (3), Serial No. 20, May, (2011).
- Roberts, K. 2010. *Sociology of leisure*. Sociopedia.isa.
- Rojek, C. 1989. *Leisure for Leisure: Critical Essays*, Macmillan, London
- Rojek, C. 1995. *Decentring Leisure: Rethinking Leisure Theory*, London, Sage Publications.
- Shaw, S. M. Female Employment: Its Impact on the Distribution of Time and Leisure Experiences of Married Women and Their Husbands. Presented at the 5th Canadian Congress on Leisure, Halifax, (1987).
- Stodolska, M. (2006). "Transnationalism and Leisure: Mexican Temporary Migrants in the U. S." *Journal of Leisure Research*, Vol. 38, No. 2, (2006).
- Such, Elizabeth. "Leisure, family and work in the lifestyles of dual-earner families". Paper presented to the ESRC seminar: Impact of a Changing Labour Market on Families, Children and Mental Health: building research-user alliances, Seminar 3 'Households, families and the changing nature of work', 7 November, University of Aberdeen, (2001).
- Wegner, L., A. J. Flisher, M. Muller, and Carl Lombard, (2006). "Leisure Boredom and Substance Use among High School Students in South Africa", *Journal of Leisure Research*, Vol. 38, No. 2, (2006).
- Wilbur J., A. M., Miller A. Montgomery and P.Chandler "Women's Physical Activity Patterns: Nursing Implications", *Journal of Jognn*, 27(4): (1998).